

ستاره استثنایی دفاع مقدس

سر لشکر شهید حاج قاسم میرحسینی

قائم مقام لشکر ۴۱ ثارالله

تالیف:

ناصر میری



انتشارات موجک



سرشناسه : سرشناسه : میری، ناصر، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور : ستاره استثنایی دفاع مقدس سرلشکر شهید حاج قاسم میرحسینی قائم مقام لشکر ۴۱ ثارالله / تألیف ناصر میری.

مشخصات نشر : تهران: موجک، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۸۴ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۹-۰۴-۴، ۱۸۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : میرحسینی، قاسم، ۱۳۴۲ - ۱۳۶۵

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Biography

موضوع : شهیدان -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Diaries -- Survival -- * Martyrs

موضوع : سرداران -- ایران

موضوع: Generals -- Iran

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۹۶۷ م / DOR1۶۲۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۹۹۷۱۵

انتشارات موجک

تلگرام: ۰۹۰۱۷۶۷۲۵۰۲ کانال: telegram.me/mojak1

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۶ - ۰۲۶۳۲۴۰۳۵۱۳ - ۰۲۱۶۶۱۲۷۵۹۳

ایمیل: mojakpublication@yahoo.com

سایت: www.mojak.ir

عنوان : ستاره استثنایی دفاع مقدس سرلشکر شهید حاج قاسم میرحسینی

تألیف : ناصر میری

طراح جلد : سیده زهرا روشنایی

مشخصات ظاهری : ۸۴ صفحه، قطع وزیری

چاپ اول : پاییز ۱۳۹۶، تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

قیمت : ۱۸۰۰۰۰ ریال، شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۹-۴۷-۴

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مصاحبه سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در وصف سرلشکر شهید میر حسینی	۱
مقدمه	۵
زندگی نامه شهید میر حسینی	۹
آشنایی با خانواده شهید	۹
محل تولد شهید روستای صفدر میریک	۹
خاستگاه اجتماعی و اقتصادی شهید	۱۰
ویژگی های اخلاقی و فرهنگی خانواده شهید	۱۱
نقش خانواده شهید در پیروزی انقلاب	۱۱
اولین راهپیمایی در جزینک	۱۳
قربانی کردن گوسفند	۱۳
خانواده نیکان	۱۴
یادی از شهید میر حسن میر حسینی	۱۴
یادی از شهید میر حسینی	۱۵
ترکیب جمعیتی و ایثار گران خانواده	۱۶
ترکیب جمعیتی و نقش هر یک از اعضای خانواده شهید	۱۶
تولد خورشید (تولد و دوران کودکی)	۱۷
ورود به دبستان	۱۷

تحصیل در شهرستان زابل ۱۸

ترس از خدا ۲۹

فرازی از سفرنامه حج شهید میر حسینی ۴۵

--

خاطره‌ای از این بزرگوار در فاو- سال ۶۵ ۶۵

منابع مأخذ ۷۵

عکس‌های سرلشکر شهید حاج قاسم میر حسینی ۷۷

مقدمه

الذی خلق الموت و الحیوة لیلوکم ایکم احسنُ عملاً

اوست خدائی که مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید در صحنه نبرد و پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکارتر است. خدایا تو خود شاهد و ناظر و بهترین بایگان اعمال هستی که پرونده و نامه‌های اعمال همه انسانها در پیشگاه و محضر مقدست ثبت و ضبط شده است.

خدایا تو خود شاه بود که فرزندان ابراهیم چگونه اسماعیل و ابراهیم را به قربانگاه آزمایش رفتند و در این راه چگونه از هم سبقت می‌گرفتند. و السابقون و السابقون اولئک المقربون. خدایا ببین که این اسطوره‌های شریعت چگونه مرگ را به بازی گرفتند و چگونه مرگ را به اسارت در می‌آوردند.

خدایا تو شاهد بودی که چگونه شهیدان پروانه را وجود شمع گونه خویش را خدائی نموده و با اشتیاق در پیشاپیش قافله بشریت و انسانیت عابدانه و عاشقانه سر الی الله نموده و در راهی قدم نهادند که برای طی آن باید مصداق کالجبل الراسخ (یعنی مانند کوه استوار) بود.

اینان کسانی بودند که در به سرانجام رساندن راهشان و مقصدشان در مقابل تمامی دسایش شیطانی و وسوس نفسانی استوار و ثابت قدم بماند و از وابستگی‌های پست دنیای و از گرفتار شدن در تارهای عنکبوتی دنیوی در امان ماندند و با این شیوه درس چگونه زیستن و چگونه مردن را نه تنها به انسان‌های عصر خویش بلکه به تمامی انسان‌ها قرون بعد دادند و با کوله بارش پر از زاد و توشه و اعمال حسنه به مصداق السابقون السابقون اولئک المقربون به سوی محبوب و معبود خویش شتافتند. آری آنها رفتند و از جانسان مایه گذاشتند و رفتند تا بسوزند و حافظ چراغ توحید باشند و به بازماندگان بعد از خود بفهمانند که مشیت و تقدیر خداوند بر رفتن همه انسان‌ها از این دارفانی در هنگامه خلقت بشر تعلق گرفته است. لذا اینجا جای ماندن و قرار نیست و همه بناچار باید در این وادی مرگ پای بنهند و هیچ گریزگاهی برای هیچ کس وجود ندارد وَلِکُلِّ أَمَةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ السَّاعَةَ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ و یا به مصداق آیه إِنَّمَا تَكُونُونَ يَدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي

بروج مُشیده و دیر یا زود با سرافرازی یا سرافکندگی همه باید به آنجا بروند و به رفتگان پیوندند و در پیشگاه باری تعالی حاضر گردند. و اینها خود عواملی است که می تواند داغ رفتن عزیزان را برای بازماندگان کاهش دهد البته نوع این رفتن ها متفاوت است و خود بر می گردد به نکته که انسان موجودی دو بعدی است. بعد مادی و جسمانی که از آن به بعد شهوانی و حیوانی یاد شده و بعد معنوی که از آن به بعد روحانی و ملکوتی تعبیر شده است. و این دو بُعد دائماً درون انسان در ستیز و نبردند و نبردی آنچنان دشوار و سخت که پیامبر (ص) جهاد اکبر نام نهاد و در حدیث آمده است: خداوند فرشتگان را بیافرید و عقل در آنها قرار داد، حیوانات را خلق کرد و شهوت را در آنها کار گذاشت و انسان را آفرید و عقل و شهوت را در او قرار داد، پس هر آنکس که عقلش بر شهوتش پیروز و غالب شود، فرشتگان بالاتر است.

و آنکس که شهوت بر عقل غلبه کند از حیوانات پست تر است. اینجاست که نوع رفتن تفاوت می کند و هر نوع حرکتی ارزش مخصوص به خود دارد و به همین جهت خداوند اختیار را به خود انسان واگذار نموده و این ما هستیم که در کشاکش روزگار سرنوشت آینده مان را به چه صورتی رقم زنیم و این در واقع همان حرکت ترقیدی و تحول تاریخی بشریت بوده است و که سنگ زیربنای آن توسط هابیل نهاده شد و بعدها هابیلیان در مقابل جریان های غیر معقول و شیطان گونه طاغوتیان در عصرها متمدنی با چهره های گوناگون (شرک، نافراری و تزویر، ... ظاهر شده و اعلام موجودیت کرده اند.

فعالیت های این عده گاهی در کشتی نوح متبلور می شده و گاهی در تیر ابراهیم بر علیه نمرود و بتهاش و زمانی در عصای موسی بر علیه فرعون و ساحرائش و در هنگام یگانه شدن قرآن و شمشیر ختمی مرتبت رسول اکرم (ص) بر علیه مشرکین و منافقین و به معنای وسیع تر علیه تمامی جهان کفر متجلی گردیده است.

و در وقتی دیگر در وجود علی (ع) مولای متقیان در مبارزه با سه چهره مخالف (قاسطین، مارقین، ناکثین) در جنگل ها جمل، صفین و نهروان آشکار می گردد و سرانجام این شیوه مبارزه در زمان مکانی دیگر به وسیله حسین (ع) و یاران با وفایش در کربلای معلی بر علیه یزید و یزیدیان متجلی و تداوم پیدا کند.

و بعد هم تداوم همان حرکت‌ها، در خشم امام و امت مسلمان این مرز و بوم علیه ترور آمریکائی و نفاق عفلقی و کفر روسی و اقمار شرقی و غربی شان متبلور و شکوفا گردیده است و بعد هم طرفداران ینش توحیدی تاریخ در مقابل قایلیان زمانشان تبر به دست و مردانه و ثابت قدم و استوار ایستادگی نموده و تسلیم زر و زور ترور آنها نشده بلکه بقول شهید مظلوم دکتر بهشتی با برپر شدن شان راست قامتان جاودانه تاریخ بشریت گردیده‌اند. برپر شدن این گلدسته‌های انسانی سرنوشتی حیرت آمیز و عبرت پذیر داشته و دارد.

شکوفا شدن این لاله‌ها در هر زمانی نجواگر حکایتی به هم پیوسته است که یکنواختی و یکسوئی (انا الله و انا الله راجعون) از ویژگی‌های اساسی و برحق آن می‌باشد زیرا که شیر مردان ایران اسلامی با زمزمه این اشعار وحیدی حماسه می‌آفریدند و تمامی سیاست‌ها را خشی و در یادها خاطره فتح مکه (پیروزی اسلام بر کر جهان) را تداعی می‌کنند که هر فتح و ظفر آنان گویای همان حکایت است.

حکایتی به گسترده‌گی تاریخ مظلومیت مسلمان و زجر رنج دیدگان و محرومان ما قبل و ما بعد تاریخ بشریت کنونی ایران اسلامی یا نگر حماسه‌ها و رشادت‌ها جوانان و غیور مردانی است که بار سفر را بر بستند و لیبیک گو به کاروان هدایت و کمان خاص الهی پیوستند جوانانی که در اصل هدایای گرانمایه و بی‌ظیری بودند که به پیشگاه قدس ری تعالی و به محضر منجی انسان‌ها حضرت بقیه ... العظم ارواحنا لمقدمه الفدا تقدیم شدند.

در همین راستا گذری کوتاه و مختصر گونه بر حیات عاشق وارسته و عاشق به حق رسیده شهید حاج قاسم میرحسینی قائم مقام لشکر ثار... سردار ملی سه استان که من، درمزگان، سیستان و بلوچستان داریم.

یاد رادمردی که جوش و خمرورش و کلامش هنوز در اذهان رزمندگان و همسکران و امت شهید پرور تداعی می‌شود.

یاد پاسدار مجاهدی که تا آخرین لحظات حیات دنیایش مانند کوه حتی بالاتر از کوه استوار و پابرجا ماند و حتی در سخت‌ترین شرایط و لحظات جنگ یعنی آن زمانی که زمین زیر پای هر مجاهد و رزمنده‌ای بوسیله آتش سنگین و پر حجم دشمن همچون گاهواره به لرزش و حرکت در

می آمد او با زمزمه پیروزی حق بر باطل و عشق به محبوب آن حالت های هولناک را، هم برای خود و هم برای دیگر عزیزان رزمنده آرام و لذتبخش می نمود.

قاسم از کوه طریق استواری آموخت

و ز سایه صفای خاکساری آموخت

شاداب تر از شمیم جانتبخش بهار

..

از روح نسیم بی قرار آموخت

مجاهدی که در عنفوان جوانی یعنی بحرانی ترین سنین دوران زندگی که کشمکش های واقعی انتخاب و زندگی است همچون سایر عزیزانی راهی دیار عشق به توحید و رسیدن او شد و در آن مکان آنچنان آرامش و طمأنینه ای بر وجود خویش رقم زد که مجذوب آن دیار گردید. گویا مثل بقیه همسنگران و هم مدافعان به حق این سربازان شایسته امام زمان (عج) گم شده اش را فقط در آنجا بدست آورده بود. او همچنان که لیک گو به ندای رهبر انقلاب به آن دیار سفر کرده بود لیک گو نیز ندای حق را پاسخ گفت و به سرای جاوید و حیات اخروی شتافت.

او از شیوه خورشید دمیدن آموخت

از قافله رود رسیدن آموخت

از دامنه پست کلاغان زمین

مانند عقاب پر کشیدن آموخت

اکنون از حال به گذشته دور سفر کرده با او در زندگی سیری کوتاه داشتیم هر چند با نبودن او این سفر سخت و ناگوار خواهد بود و به هر جهت چاره ای نیست جز آنکه ان همه با هم بودن ها و گفتن ها و درد دلها را از نو در صفحه ذهن آورده و مرور کنیم و از نوار ذهنی حافظه بر روی کاغذ پیاده کنیم. و فعلاً باید نبودش را تحمل نمود که جز این چاره ای نیست تا شاید در آینده ای نه چندان دور خداوند ما را بر آن بدارد که با تداوم راه شهدا اگر لیاقت یافتیم. به این عزیزان بیوندیم.